info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۷۸۸
سه‌شنبه / ۱۰ تیر / ۱۴۰۴
۵ / محرم / ۱۴۴۷
01 / July / 2025

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: یاهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۴۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۴۳-۳۲۵۳۴۴۴۴-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

فرازهای

امروز با حافظ

هیچ رویی نشود آینه حجله بخت
مگر آن روی که مالَند در آن سُمِّ سمند
گفتم اسرار غمت هر چه بُوَد گو می‌باش
صبر از این بیش ندارم چه کنم تا کی و چند؟

فرازهای

ذوق شراب انست، وقتی اگر باشد
هر روز بامدادت، ذوقی دگر باشد

سعدی

فرازهای

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۳:۰۸	۰۴:۵۴	۱۲:۱۰	۱۹:۲۶	۱۹:۴۷

برگه

زندگی هیچ محدودیتی ندارد، محدودیت را شما می‌سازید...

لس براون

اشاره

چرا برخی افراد همیشه مسیر را گم می‌کنند؟

رشد در مناطق روستایی، توجه به محیط اطراف و تمرین مداوم می‌تواند حس جهت‌یابی را تقویت کند

به گزارش پیام آشنا به نقل از قرائت، حس جهت‌یابی، مهارتی حیاتی است که تفاوت آن میان افراد تنها به زیست، بلکه به محیط زندگی، سن، و حتی سبک آموزش در کودکی بستگی دارد.

حتی با وجود برنامه‌های مسیریابه بعضی از افراد باز هم مسیر را اشتباه می‌روند یا در مکان‌هایی آشنا گم می‌شوند. این پدیده‌ای اشتباه، اما علم اکنون پاسخ‌هایی برای آن ارائه داده است. تحقیقات تازه نشان می‌دهد که توانایی مسیریابی در انسان‌ها، نه تنها با عوامل ژنتیکی، بلکه تا حد زیادی به محیطی که قرد در آن رشد کرده نیز مرتبط است.

نقش تربیت و محیط در حس جهت‌یابی

بر اساس مطالعات مشترک دانشگاه کالج لندن (UCL) و دانشگاه شرق انگلستان (UEA)، افرادی که در مناطق روستایی یا حومه‌های بزرگ شده‌اند، معمولاً در مهارت‌های جهت‌یابی عملکرد بهتری نسبت به افرادی که در شهرها رشد کرده‌اند دارند. دلیل این تفاوت را می‌توان در سادگی شبکه خیابانی شهرها و تنوع کمتر مسیرهای شهری نسبت به مناطق بافت‌دار و پیچیده روستایی جستجو کرد.

پروتیو هوگوالسیبر زمتخصص علوم اعصاب شناختی در دانشگاه کالج لندن، توضیح می‌دهد مهارت جهت‌یابی فقط یک توانایی ساده نیست، بلکه ترکیبی از عوامل زیستی، فرهنگی، محیطی و حتی سبک زندگی است. وی می‌افزاید «ما انگهایی از رکتار را پیدا می‌کنیم که ما را به اهداف‌مان می‌رساند. این انگوها تکرار می‌شوند و در نهایت با نشانه‌ها و پاسخ‌های خاصی گره می‌خورند و به عادت تبدیل می‌شوند»

آیا مردان جهت‌یابی بهتری دارند؟

یکی از باورهای رایج این است که مردان نسبت به زنان حس جهت‌یابی قوی‌تری دارند. اما داده‌های به‌دست‌آمده از پروژه بزرگ Sea Hero Quest، یک بازی موبایلی با هدف بررسی توانایی جهت‌یابی در سطح جهانی، این کلیشه را به چالش کشیده است. این پروژه که توسط دانشگاه‌های بریتانیا و شرکت بازی‌سازی Glitchers اجرا شد، داده‌های بیش از ۴۳ میلیون کاربر از ۱۹۵ کشور را جمع‌آوری کرد. نتایج نشان داد که تفاوت جنسیتی در جهت‌یابی فقط در کشورهایی واضح است که نابرابری‌های آموزشی و اجتماعی میان زنان و مردان بیشتر است. در کشورهای توسعه یافته، تفاوت قابل توجهی بین زنان و مردان وجود ندارد. به گفته‌ی اسپیرز، «احتمالاً این تفاوت‌ها بیشتر فرهنگی هستند تا زیستی» همچنین، داده‌های این پروژه نشان می‌دهد که مردم کشورهای اسکاندیناوی بهترین جهت‌یابان دنیا هستند. دلیل آن را می‌توان در آموزش‌های قضایی بازو بازی‌های بیرونی در مدارس این کشورها دانست که از دوران کودکی آموزش می‌دهند چگونه محیط اطراف را درک کرده و با آن تعامل داشته باشند.

بیش از یک نوع جهت‌یابی وجود دارد

پابلو قرنلندز والسکو محقق مرکز علوم حافظه و مکان در دانشگاه استیرلینگ، تاکید می‌کند که جهت‌یابی مهارتی یکپارچه نیست و در قرهنگ‌های مختلف، به شیوه‌های متفاوتی بروز می‌یابد. به گفته‌ی او، «در برخی قرهنگ‌ها، افراد از نقشه‌های بصری استفاده می‌کنند در حالی که در جاهای دیگر ممکن است جهت‌یابی با استفاده از صدا، بو یا حتی حس امواج انجام شود. مثلاً در جزایر مارشال، دریانوردان با احساس امواج مسیر خود را پیدا می‌کنند»

سن، بزرگ‌ترین عامل کاهش توانایی جهت‌یابی

در تمام قرهنگ‌ها، یک عامل مهم و جهانی در کاهش حس جهت‌یابی وجود دارد: افزایش سن. داده‌های Sea Hero Quest نشان می‌دهد که با بالا رکتن سن، توانایی جهت‌یابی افراد کاهش می‌یابد. اسپیرز می‌گوید: «قدرت توانایی جهت‌یابی یکی از نخستین نشانه‌های زوال عقل است. بنابراین، تمرین این مهارت می‌تواند در پیشگیری یا تأخیر در شروع بیماری‌هایی مانند آلزایمر مؤثر باشد» این یافته‌ها اکنون برای طراحی تست‌های تشخیصی اولیه آلزایمر و سنجش تأثیر درمان‌های جدید مورد استفاده قرار می‌گیرند.

طبیعت یا تربیت؟ ژنتیک یا آموزش؟

پرسش قدیمی «طبیعت در برابر تربیت» در مورد حس جهت‌یابی نیز مطرح می‌شود. اسپیرز معتقد است برخی افراد به‌صورت ذاتی از قدرت جهت‌یابی بیشتری برخوردارند. او توضیح می‌دهد «مثل هر مهارت شناختی دیگری، احتمالاً ژنتیک نیز در این توانایی نقش دارد. کسانی که جهت‌یابی قوی دارند، احتمالاً مغزهای مغزی فعال‌تر و منسجم‌تری در این زمینه دارند. اما این مهارت قابل تقویت است. افراد می‌توانند با تمرین، برنامه‌ریزی دقیق و دقت در مسیرها، توانایی خود را افزایش دهند» تحقیقات روی رانندگان تاکسی نیز از این ادعا پشتیبانی می‌کند. مطالعات نشان داده که بخش پسین هیپوکامپ در مغز رانندگان تاکسی، که مسئول حافظه و هماهنگی فضایی است، نسبت به سایر افراد نیز بزرگ‌تر است. مطالعه‌ای از دانشگاه هاروارد نیز نشان داد که رانندگان تاکسی که در طول روز بطور مداوم معماهای فضایی حل می‌کنند، کمتر در معرض مرگ بر اثر آلزایمر قرار دارند.

آیا فناوری جهت‌یابی را تضعیف کرده است؟

استفاده روزافزون از ابزارهایی مانند گوگل‌مپ باعث نگرانی برخی از متخصصان شده است. آیا این ابزارها ممکن است حس جهت‌یابی طبیعی انسان را تضعیف کنند؟ پروتسور آرنه اکستروم از دانشگاه آریزونا، که تحقیقاتش بر محیط‌های مجازی انجام شده، معتقد است می‌توان مهارت جهت‌یابی را به‌سرعت تقویت کرد. او می‌گوید «اگر از گوگل‌مپ فقط برای دنبال کردن مسیر استفاده کنید، چیز زیادی از محیط نمی‌آموزید. اما اگر از آن برای درک مکان‌ها و مسیرها بهره ببرید، می‌تواند مفید باشد» اکستروم تاکید می‌کند که برای تقویت حس جهت‌یابی باید به نشانه‌های محیطی توجه بیشتری داشت: «باید همیشه سرتان توی گوشی باشد. باید به خیابان‌ها، علامت‌ها و نحوه اتصال مسیرها دقت کنید. در دنیای امروز همه‌چیز سریع است و ما همزمان چند کار انجام می‌دهیم، به همین دلیل تمرکز نداریم»

آموزش‌پذیری، کلید پیشرفت

توصیه‌ی قهرمانان رشته‌هایی مانند جهت‌یابی نیز مشابه همین نکته است: «قربانی ما اغلب گم می‌شوند. اما خیلی خوب، متوجه می‌شوند و از اشتباهات خود یاد می‌گیرند. این بخشی از فرآیند یادگیری است. باید همچنان به کشف، محیط ادامه دهید» در کل، بهتر از اینکه چرا برخی افراد حس جهت‌یابی قوی‌تری دارند و دیگران در محیط‌های آشنا هم گم می‌شوند، نحنه‌ها به بهبود مهارت‌های قردی کمک می‌کند. بلکه می‌تواند در پیشگیری و تشخیص زودهنگام زوال عقل نیز نقش مهمی ایفا کند. حس جهت‌یابی ترکیبی از استعداد ذاتی، محیط تربیتی، تمرین، و میزان تعامل با فضای اطراف است. با تمرکز بیشتر بر محیط و تمرین آگاهانه، حتی کسانی که حس جهت‌یابی ضعیفی دارند نیز می‌توانند این مهارت حیاتی را بهبود ببخشند.

گزارش روز

«بازی مرکب» واقعی

نزدیک ساعت دو بامداد بود که گفته شد می‌توانیم به مرکز کمک رسانی مراجعه کنیم. یک چراغ سبز بر سر در ورودی مرکز مذکور روشن شد و نشان می‌داد که این مرکز باز است. مردم شروع به دویدن به سمت آن کردند. من با سرعت هر چه تمام‌تر می‌دویدم. من از دیدن جمعیت انبوه شوکه شدم. هر کاری می‌کردم تا زودتر برسم با این حال صدها نفر جلوتر از من بودند. از خود مدام می‌پرسیدم که چطور زودتر به هدفم برسم.

به گزارش پیام آشنا به نقل از فرارو، هر کسی که حرکتی اضافی انجام می‌داد بلافاصله هدف گلوله تک تیراندازان اسرائیلی قرار می‌گرفت. کنار من مرد جوانی بود که از نور گوشی تلفن همراهش استفاده می‌کرد تا راهنمای مسیر باشد. بقیه سرش داد می‌زدند که چراغ را خاموش کند. با این حال او گوش نکرد و خیلی زود هدف گلوله قرار گرفت. او روی زمین افتاد و شروع به خونریزی شدید کرد. هیچکس نمی‌توانست به وی کمک کند. او ظرف چند دقیقه جان خود را از دست داد. من پیکر شش شهید دیگر را نیز روی زمین دیدم.

من همچنین افراد زخمی را می‌دیدم که در حال برگشت به عقب بودند. یک مرد در حالی که به شدت دستش خونریزی می‌کرد در حال رفتن به عقب بود. من چندین بار اقدام خیلی ترسیده بودم با این حال هیچ راه برگشتی وجود نداشت. من از نقاط به شدت خطرناک عبور کرده بودم و اکنون می‌توانستم مرکز کمک رسانی را ببینم. ما همه ترسیده بودیم. با این حال، ما آنجا بودیم تا برای خانواده‌های خود و کودکانمان نان ببریم.

جنگیدن برای غذا

نزدیک ساعت دو بامداد بود که گفته شد می‌توانیم به مرکز کمک رسانی مراجعه کنیم. یک چراغ سبز بر سر در ورودی مرکز مذکور روشن شد و نشان می‌داد که این مرکز باز است. مردم شروع به دویدن به سمت آن کردند. من با سرعت هر چه تمام‌تر می‌دویدم. من از دیدن جمعیت انبوه شوکه شدم. هر کاری می‌کردم تا زودتر برسم با این حال صدها نفر جلوتر از من بودند. از خود مدام می‌پرسیدم که چطور زودتر به هدفم برسم.

جمعیت به قدری زیاد بود که دیگر نمی‌شد مرکز کمک رسانی را دید. من برای فرزندانم هم که شده باید کاری را انجام می‌دادم.

گرسنگی اکنون به نقطه غیرقابل تحملی رسیده است. از این رو، من تصمیم گرفتم تا به «بنیاد کمک‌های بشردوستانه غزه» که مورد حمایت آمریکا است بروم و کمک دریافت کنم.

در غزه چه خبر است؟

پیشتر شنیده بودم که رفتن به آنجا خطرناک است و افراد بعضاً کشته یا زخمی هم می‌شوند. با این حال، من تصمیم خودم را گرفته بودم تا به آنجا بروم. فردی به من گفته بود که اگر هر هفت روز یک مرتبه به آنجا بروم، می‌توانم مواد غذایی کافی برای خانواده‌ام فراهم کنم.

مسیر تاریک و مرگبار

حدوداً ساعت ۹ شب ۱۸ ژوئن بود که شنیدم مردی که در چادری در کنار ما اقامت داشت خود را آماده می‌کرد تا به مرکز مذکور برود. من به همسایه‌ام در چادر مذکور گفتم که من هم می‌خواهم با او بیایم. نام او خلیل هلاس بود و ۳۵ سال سن داشت. خلیل به من گفت که لباس‌های گشاد و راحت بپوشم تا بتوانم به راحتی بدوم و چابک باشم.

او گفت یک کیف یا چمدان برای حمل مواد غذایی بسته بندی شده یا کنسروجات بیاورم. به دلیل شلوغی احتمالی مرکز کمک رسانی که به سمت آن می‌رفتیم، حمل کمک‌ها از سوی افراد به شدت سخت بود. همسرم اسما، ۳۶ ساله و دخترم دعا ۱۳ ساله، مرا به انجام این سفر تشویق کردند. آن‌ها در خبرها خوانده بودند که زنان نیز به مرکز مذکور مراجعه می‌کنند و کمک دریافت می‌کنند. از این رو، آن‌ها هم می‌خواستند بیایند. با این حال، من به آن‌ها گفتم که این سفر خیلی خطرناک است. من سفر را به همراه پنج نفر دیگر از افرادی که آن‌ها نیز در اردوگاه ما بودند آغاز کردم در میان این افراد یک مهندس و یک معلم نیز حضور داشتند. برای برخی از ما این نخستین بار بود که دست به یک چنین سفری می‌زدیم.

ما بالاغ و گاری به راه افتادیم. یکی از همراهان ما که پیشتر سفر مذکور را رفته بود گفت که بهتر است از مسیر تعیین شدن توسط ارتش اسرائیل نرویم زیرا این مسیر به شدت شلوغ است و کمکی به ما نخواهد رسید او گفت بهتر است از مسیر دیگری برویم. سفر به شدت دشوار بود و راه هم تاریک و سخت بود. ما اجازه نداشتیم از هیچ نوری استفاده کنیم. مساله‌ای که توجه تک تیراندازان اسرائیلی و یا اتوبات نظامی آن‌ها را به خود جلب می‌کرد.

چند منطقه باز وجود داشت که مجبور شدیم سینه‌خیز از آن‌ها عبور کنیم. وقتی مسیر را طی می‌کردیم چندین زن و فرد مسن را دیدم که آن‌ها نیز در این مسیر خطرناک قدم گذاشته بودند. کمی بعد صدای شلیک گلوله به منطقه نزدیک خودمان را شنیدم. ما در پشت یک ساختمان مخروبه پنهان شدیم.

هرکسی که حرکتی اضافی انجام می‌داد بلافاصله هدف گلوله تک تیراندازان اسرائیلی قرار می‌گرفت. کنار من مرد جوانی بود که از نور گوشی تلفن همراش استفاده می‌کرد تا راهنمای مسیر باشد. بقیه سرش داد می‌زدند که چراغ را خاموش کند. با این حال او گوش نکرد و خیلی زود هدف گلوله قرار گرفت. او روی زمین افتاد و شروع به خونریزی شدید کرد. هیچکس نمی‌توانست به وی کمک کند. او ظرف چند دقیقه جان خود را از دست داد. من پیکر شش شهید دیگر را نیز روی زمین دیدم.

من همچنین افراد زخمی را می‌دیدم که در حال برگشت به عقب بودند. یک مرد در حالی که به شدت دستش خونریزی می‌کرد در حال رفتن به عقب بود. من چندین بار اقدام خیلی ترسیده بودم با این حال هیچ راه برگشتی وجود نداشت. من از نقاط به شدت خطرناک عبور کرده بودم و اکنون می‌توانستم مرکز کمک رسانی را ببینم. ما همه ترسیده بودیم. با این حال، ما آنجا بودیم تا برای خانواده‌های خود و کودکانمان نان ببریم.

سربازان نگاه می‌کردند و می‌خندیدند

سرم را برگرداندم و سربازان اسرائیلی را دیدم. شاید ۱۰ تا ۲۰ متر آن طرف‌تر بودند. آن‌ها با هم حرف می‌زدند و از ما فیلم می‌گرفتند. برخی از آن‌ها حتی سلاح‌های خود را به سمت ما نشانه گرفته بودند. این رفتار آن‌ها مرا یاد سریال کره‌ای «بازی مرکب» می‌انداخت که در آن کشتن گویی یک سرگرمی بود ما فقط به دلیل گلوله‌های آنها جان خود را از دست نمی‌دادیم بلکه آن‌ها به ما گرسنگی و تحقیر می‌دادند. آن‌ها ما را نگاه می‌کردند و می‌خندیدند. چند دقیقه بعد، نارنجک‌های دودزای قرمز به آسمان پرتاب شدند. فردی به من گفت که این بدان معناست که افراد باید محیط را ترک کنند. پس از آن‌ها، تیراندازی شدید آغاز می‌شود.

من و چند نفر دیگر به سمت بیمارستان العوده حرکت کردیم. یکی از دوستان ما در آنجا بستری شده بود. من از آنجه در بیمارستان دیدم حقیقتاً شوکه شدم. حداقل ۳۵ شهید در یکی از اتاق‌های بیمارستان بودند. یکی از پزشکان به من گفت همگی آن‌ها ظرف همین امروز به اینجا آورده شده اند. به تمامی آن‌ها یا از ناحیه سر یا سینه شلیک شده بود. آن‌ها برای دریافت کمک به مرکز امدادرسانی مراجعه کرده بودند.

خانواده‌های آن‌ها منتظرشان بودند تا آن‌ها بریانشان عذا بیاورند. اکنون باید جنازه آن‌ها را تحویل بگیرند من به این خانواده‌ها فکر می‌کردم. با خودم گفتم: چرا ما باید فقط به این گناه که می‌خواهیم کودکان خود را سیر کنیم، کشته شویم؟

کفش‌هایم را درآوردم و آن‌ها را در کیسه ای که داشتم گذاشتم و با زور سعی کردم راهم را از میان جمعیت هموار کنم. متوجه شدم که دختری زیر جمعیت هموار کنم. متوجه شدم که و در حال خفه شدن است. دستش را گرفتم و او را به کناری هل دادم. یک کیسه برنج برداشتم‌ها فردی آن را از دستم گرفت و برد. من در نهایت توانستم چهار کنسرو لوبیا، یک کیلوگرم بلغور و نیم کیلو ماکارونی گیر بیاورم. ظرف چند دقیقه کلیه کمک‌ها تمام شد و عده زیادی دست خالی ماندند. عده‌ای به بقیه التماس می‌کردند تا آنچه گرفته اند را با آن‌ها تقسیم کنند. حتی کلزتن‌ها نیز توسط افراد برده شدند تا آن‌ها را بسوزانند. عده‌ای سعی داشتند آن میزان از مواد غذایی را که روی زمین افتاده بود جمع کنند.

برش

کدام کشورها بیشترین غنی سازی اورانیوم را دارند؟

در جهانی که انرژی هسته‌ای هم منتجی آیندهای پاک و هم چالشی برای صلح جهانی است، غنی‌سازی اورانیوم به عنوان قلب این فناوری، در دستان معدودی از کشورهایی در خشد. اما کدام ملت‌ها در این رقابت علمی و استراتژیک پیشتازند؟

به گزارش پیام آشنا به نقل از تایتاک، اورانیوم، این فلز مرموز و پرتوزا که در عمق پوسته زمین خفته است، گویی کلیدی جادویی برای گشودن دروازه‌های انرژی و پیشرفت بشر است. با دو ایزوتوپ اصلی، اورانیوم-۲۳۸ - که ۹۹.۳ درصد از ذخایر را تشکیل می‌دهد و اورانیوم-۲۳۵ - که تنها ۰.۷ درصد، اما با قدرتی بی‌نظیر برای شکافت هسته‌ای است.

اورانیوم در قلب علم و سیاست جهانی جای دارد. غنی‌سازی اورانیوم، فرآیندی شگفت‌انگیز و پیچیده، با سانتریفیوژهای گازی انجام می‌شود که با چرخش‌هایی سریع‌تر از ۱۰۰،۰۰۰ دور در دقیقه، ایزوتوپ سبک‌تر را از سنگین‌تر جدا می‌کنند. این فرآیند، بدون دستکاری ساختار اتمی، نسبت اورانیوم-۲۳۵ را افزایش می‌دهد برای راکتورهای هسته‌ای، ۳ تا ۵ درصد غنی‌سازی نیاز است.

هر شکافت هسته‌ای، ۲۰۰ مگاالکترون‌ولت انرژی آزاد می‌کند؛ نیرویی عظیم که می‌تواند شهری را روشن کند. ایران، با تکیه بر دانش بومی و عزمی راسخ، در این فناوری به دستاوردهای خیره‌کننده‌ای رسیده و نام خود را در کنار غول‌های جهانی حک کرده است.

ایران تا سال ۲۰۲۵ به تنهایی ۶۰ درصد دست یافته. گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در فوریه ۲۰۲۵ نشان می‌دهد که ذخایر اورانیوم ۶۰ درصد ایران به ۲۷۵ کیلوگرم رسیده است. یک پشتوانه عظیم و لازم‌شدنا برای نیروگاه‌های در حال ساخت ایران.

اورانیوم برای سوخت راکتور بوشهر (۵ درصد)، راکتور تحقیقاتی تهران (۲۰ درصد) و پیشران‌های دریایی (۶۰ درصد) به کار می‌رود. رادیوداروهای تولیدشده با این فناوری، امیدی برای بیماران سرطانی است و جان هزاران نفر را نجات داده است.

ایران، به‌عنوان عضو معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای (NPT)، بارها تأکید کرده که برنامه‌اش صلح‌آمیز است. در مقایسه، کشورهایی مانند آمریکا، روسیه، چین، فرانسه و بریتانیا توانایی غنی‌سازی تسلیحاتی، همچنان پیشتازند. اما ایران با ارسال استوار، مسیری متحصربه‌فرد پیموده است.

جهان هسته‌ای زیر چتر معاهده NPT شکل گرفته که از سال ۱۹۷۰ برای مهار تسلیحات هسته‌ای، ترویج خلع سلاح و استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای تدوین شد. ۱۹۱ کشور، از جمله ایران، به این پیمان پایبندند، اما هند، پاکستان، اسرائیل و کره شمالی راه خود را می‌روند.

کدام کشورها سلاح هسته‌ای دارند؟

بر اساس تخمین‌های سال ۲۰۲۵، روسیه با ۵۸۸۰ کلاهک هسته‌ای و آمریکا با ۵۰۴۴ کلاهک، بزرگ‌ترین زرادخانه‌های جهان را دارند. چین (۵۰۰ کلاهک)، فرانسه (۲۹۰)، بریتانیا (۲۲۵)، پاکستان (۱۷۰)، هند (۱۶۴)، اسرائیل (۹۰) و کره شمالی (۵۰) در رتبه‌های بعدی‌اند. این اعداد، قدرت تخریبی هولناکی را نشان می‌دهند. تنها تجربه استفاده جنگی از بمب هسته‌ای به هیروشیما و ناکازاکی در سال ۱۹۴۵ بازمی‌گردد، جایی که بمب‌های ۱۵ و ۲۱ کیلوتنی، بیش از ۲۱۴،۰۰۰ نفر را کشتند و تشعشعات، نسل‌ها را در رنج فرو برد.

نیروگاه‌های هسته‌ای، با بهره‌گیری از اورانیوم غنی‌شده حدود ۱۰ درصد برق جهان را تأمین می‌کنند. در ایران، نیروگاه بوشهر سالانه ۷ درصد برق کشور را تولید می‌کند؛ جایگزینی یک که آلودگی سوخت‌های فسیلی را کاهش می‌دهد. شکافت هسته‌ای، گرمایی تولید می‌کند که بخار را به توربین‌ها می‌رساند و برق می‌سازد. اما مدیریت پسماندهای رادیواکتیو، پازلی پیچیده است که نیاز به فناوری‌های نوین دارد. ایران، با معادن اورانیوم در سانندج یزد و گچین هرمزگان، در میان ۲۰ تولیدکننده برتر جهان جای دارد. هرچند سهمش کمتر از ۱ درصد ذخایر جهانی است.

قزاقستان، کانادا و استرالیا بیش از ۶۰ درصد ذخایر را دارند. اما ایران با سانتریفیوژهای پیشرفته‌اش، از منابع محدود، معجزه‌ای خلق کرده است. از مدل‌های ابتدایی IR-1 تا IR-6، این فناوری نشان‌دهنده عزم ملت برای خودکفایی است. این دستاوردها نه‌تنها برای تولید برق، بلکه برای پزشکی و صنعت، آینده‌ای روشن ترسیم می‌کنند. ایران با این پیشرفت‌ها، پیام روشنی به جهان می‌فرستد: علم در خدمت زندگی و پیشرفت است.

ایران از IR-1های ساده به مدل‌های پیشرفته IR-4 و IR-6 رسیده که با سانتریفیوژهای شرکت اورنکو رفابت می‌کنند. این فناوری، نمادی از غرور ملی است که در برابر فشارهای جهانی سر خم نکرده. اورانیوم غنی‌شده فراتر از راکتورها در تولید رادیوداروها و پیشران‌های دریایی، افق‌های جدیدی گشوده است.

کشورهای پیشرو در غنی‌سازی اورانیوم (۲۰۲۵):

بر اساس داده‌های موجود، کشورهای زیر در غنی‌سازی اورانیوم پیشتازند:

- روسیه: با ظرفیت ۴۰ درصد از بازار جهانی غنی‌سازی و توانایی تولید اورانیوم با غنای تسلیحاتی (بیش از ۹۰ درصد)
- چین: با ظرفیت ۱۷ درصد و توسعه فناوری بومی، از جمله سانتریفیوژهای پیشرفته
- فرانسه: با ۱۲ درصد از بازار جهانی، از طریق شرکت اورانو و تأسیسات پیشرفته
- ایالات متحده: با ۱۱ درصد و برنامه‌های جدید برای تولید سوخت تجاری از ۲۰۲۵.
- هلند: بریتانیا، آلمان: کنسرسیوم اورنکو با ۲۱ درصد (هلند ۸ درصد، بریتانیا ۷ درصد، آلمان ۶ درصد).
- ایران: با غنی‌سازی تا ۶۰ درصد، تنها کشور بدون تسلیحات هسته‌ای با این سطح غنا.
- برزیل، هند، پاکستان، آرژانتین: توانایی محدودتر برای مقاصد صلح‌آمیز یا نظامی.

بی‌گمان این فن آوری با بمباران و تحریم از بین نرفته و نمی‌رود. چون اساسا به بیگانگان وابسته نیست. غنی سازی اورانیوم به عنوان یک میراث علمی و فنی در کانه‌ه ایرانیان باقی خواهد ماند.

تلفن‌های مورد نیاز در مواقع بحرانی

اورژانس	۱۱۵
آتش‌نشانی	۱۲۵
پلیس	۱۱۰
امداد برق	۱۲۱
امداد گاز	۱۹۴
اورژانس اجتماعی	۱۲۳
داروخانه‌های شبانه‌روزی	۱۹۱
حقایق اجتماعی و مشاوره	۱۱۲
ستاد خبری ارائه کل اطلاعات	۱۱۳

ISNA

مکث

جمعیت تشییع کنندگان در تهران کم بود؟

در شرایطی که شنبه تاریخی تهران در سرخط خبرهای رسانه‌های بین‌المللی قرار گرفت، بدرقه میلیونی شهدای اقتدار در تهران علاوه بر خشم رسانه‌های ضدانقلاب، مانند گذشته با رویکرد انکاری آنان همراه شد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از همشهری، حضور حماسی مردم سراسر کشور در آیین‌های تشییع شهدای حمله رژیم‌صهیونیستی، که طی روزهای اخیر در نقاط مختلف کشور برگزار شده‌است، آب سرد دیگری بود بر پیکر ضدانقلابی که در روزهای اخیر به تریبونی فارسی‌زبان برای رژیم صهیونیستی تبدیل شده بودند.

در حالی که بسیاری از رسانه‌ها و فعالان ضدانقلاب با آغاز حمله جنایتکارانه رژیم‌صهیونیستی به کشور، با ذوق‌زدگی ویژه‌ای جنایات دهمنشانه این رژیم علیه غیرنظامیان و به‌ویژه زنان و کودکان ایرانی را به نظاره نشسته بودند اما روز شنبه با ملت یکصدایی مواجه شدند که قاطعانه حمایت خود از اقتدار ایران و ایرانی اعلام کرد.

واکنش‌های ضدانقلاب

ایران اینترنشنال: این رسانه صهیونیستی فارسی‌زبان ضمن سکوت درباره حضور میلیونی مردم تهران در آیین تشییع شهدای اقتدار کوشیدند این گونه جلوه دهد که این مراسم در فضایی امنیتی برگزار شده‌است.

رادیوفردا: این رسانه ضدانقلاب نیز روز شنبه تلاش کرد حضور حماسی مردم تهران در آیین تشییع شهدا را انکار کرده و آن را در مقایسه با «دوره‌هایی از مقاطع مهم برای جمهوری اسلامی»، کم جمعیت‌تر جلوه دهد؛ ادعایی که به‌وضوح برخلاف گزارش‌های رسانه‌های غربی و آمریکایی بود.

منوتو: شبکه ضدانقلاب منوتو نیز ترجیح داد ضمن سانسور خبری حضور میلیونی مردم تهران، برگزاری این آیین بالشکوه را کم‌اهمیت جلوه دهد. بی‌بی‌سی فارسی: این شبکه تلویزیونی فارسی‌زبان لندن نشین نیز بدون اشاره به حضور میلیونی مردم تهران در آیین بدرقه شهدای اقتدار، خط خبری ضدایرانی روزهای اخیر خود را دنبال کند و به بزرگنمایی از حملات رژیم‌صهیونیستی به ایران ادامه دهد. ایندیپندنت فارسی: این رسانه فارسی‌زبان ضدانقلاب، که در روزهای اخیر نقش برجسته رسانه‌ای در حمایت از رژیم‌صهیونیستی ایفا کرده، بدون اشاره به حضور حماسی پایتختنشینان در این آیین بالشکوه، کوشید فضای این مراسم را امنیتی جلوه دهد. دویچه‌وله فارسی: این رسانه آلمانی فارسی‌زبان نیز تنها به انتشار خبر برگزاری مراسم تشییع شهدای حمله رژیم‌صهیونیستی در تهران بسنده کرد و ترجیح داد حضور حماسی مردم در این آیین را سانسور کند.
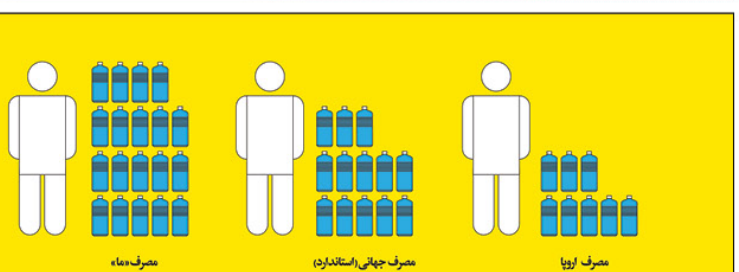
فعالان مجازی ضدانقلاب بخشی از فعالان معاند در شبکه‌های اجتماعی تلاش کردند حاضران در آیین بالشکوه روز شنبه را از قشر خاصی معرفی کنند؛ ادعایی که انتشار گسترده عکس‌ها و فیلم‌های این مراسم در فضای مجازی شاهدی بر دروغ بودن این ادعا است.